

سند تحول و پیشرفت روستای پشت‌رود
شهرستان بم، استان کرمان
(متن پیشنهادی)

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی



فهرست

۱. شناسنامه و معرفی اولیه روستا..... ۳
- ۱-۱. موقعیت جغرافیایی و جایگاه روستا..... ۳
- ۲-۱. جمعیت و روند جمعیتی..... ۴
- ۳-۱. اقلیم و ویژگی‌های طبیعی..... ۴
- ۴-۱. اقتصاد و معیشت روستا..... ۵
- ۵-۱. وضعیت زیرساخت‌ها و خدمات عمومی..... ۶
۲. سرمایه‌های روستای پشت‌رود..... ۶
- ۱-۲. جدول فهرست سرمایه‌های روستا..... ۷
- ۲-۲. سرمایه انسانی؛ جوانان، مدیران محلی و ظرفیت یادگیری..... ۸
- ۳-۲. سرمایه طبیعی؛ نخلستان، آب، قنات و پهنه طبیعی..... ۸
- ۴-۲. سرمایه فیزیکی؛ مدارس، هنرستان، سردخانه، ماشین‌آلات و زیرساخت..... ۸
- ۵-۲. سرمایه نهادی؛ دهیاری، شورا، مدرسه و شبکه خدمات محلی..... ۹
- ۶-۲. سرمایه اجتماعی؛ همدلی، خیرین و قدرت بسیج مردمی..... ۱۰
- ۷-۲. سرمایه فرهنگی؛ هویت مذهبی، تجربه زلزله و حافظه جمعی..... ۱۰
- ۸-۲. سرمایه مالی؛ خرما، سردخانه، دارایی خانوار و امکان سرمایه‌گذاری محلی..... ۱۲
۳. تحلیل SWOT روستای پشت‌رود..... ۱۳
- ۱-۳. نقاط قوت..... ۱۳
- ۲-۳. نقاط ضعف..... ۱۳
- ۳-۳. فرصت‌ها..... ۱۴
- ۴-۳. تهدیدها..... ۱۴
۴. پیشران تحول و پیشرفت روستا: هنرستان مهارت‌آموزی پشت‌رود..... ۱۵
- ۱-۴. تعریف پیشران..... ۱۵
- ۲-۴. داستان شکل‌گیری هنرستان؛ از یک خیر تا یک زیرساخت توسعه..... ۱۶
- ۳-۴. چرا پیشران آموزشی برای پشت‌رود؟..... ۱۶
۵. بسته اقدامات پیشنهادی برای تحقق پیشران آموزشی..... ۱۷
- ۱-۵. تبدیل هنرستان به «مرکز مهارت و حل مسئله پشت‌رود»..... ۱۷
- ۲-۵. طراحی نقشه مهارت متناسب با اقتصاد روستا..... ۱۷
- ۳-۵. ایجاد کارگاه زنجیره ارزش خرما و بسته‌بندی..... ۱۸



- ۴-۵. پیوند هنرستان با سردخانه‌ها، باغ‌ها، ماشین‌آلات و صنعت اطراف..... ۱۸
- ۵-۵. بازگرداندن اعتماد آموزشی و کاهش خروج دانش‌آموزان..... ۱۸
- ۶-۵. صندوق کوچک مهارت و تجربه برای جوانان..... ۱۸
- ۷-۵. مهارت آب و کشاورزی هوشمند برای نسل بعد..... ۱۹
۶. برنامه اجرایی پیشنهادی..... ۱۹
- ۱-۶. اقدامات کوتاه‌مدت؛ سال اول..... ۱۹
- ۲-۶. اقدامات میان‌مدت؛ سال دوم و سوم..... ۱۹
- ۳-۶. اقدامات بلندمدت؛ سال چهارم و پنجم..... ۲۰
۷. کانون تحول و پیشرفت روستای پشت‌رود..... ۲۰
- جمع‌بندی..... ۲۰

۱. شناسنامه و معرفی اولیه روستا

۱-۱. موقعیت جغرافیایی و جایگاه روستا

پشت‌رود در شهرستان بم و در مجاورت نزدیک شهر بم قرار دارد. بر اساس توضیحات دهیار، فاصله روستا تا محدوده شهری بم حدود ۲ کیلومتر و فاصله آن تا مرکز بخش بروات حدود ۱۴ کیلومتر است. رودخانه و پل فلزی محدوده پیرامونی روستا نیز در عمل بخشی از مرز میان محدوده‌های روستایی و شهری را شکل می‌دهد. این نزدیکی به بم، پشت‌رود را از بسیاری از روستاهای دور از مرکز متمایز می‌کند؛ زیرا دسترسی مردم به بازار، خدمات اداری، مراکز درمانی، آموزش‌های تخصصی و فرصت‌های اشتغال شهری سریع و نسبتاً آسان است.

نزدیکی به شهر از یک‌سو مزیت مهمی برای توسعه است و از سوی دیگر می‌تواند بخشی از خدمات و سرمایه انسانی روستا را به سمت شهر بکشد. در پشت‌رود این دو اثر هم‌زمان دیده می‌شود. مردم می‌توانند از خدمات بم استفاده کنند، اما در حوزه آموزش نیز بخشی از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندان خود را به مدارس شهر بفرستند. بنابراین موقعیت مکانی پشت‌رود باید به گونه‌ای مدیریت شود که روستا از شهر نزدیک تغذیه کند، نه اینکه ظرفیت‌های خود را به تدریج به آن واگذار کند.

قرار گرفتن در پهنه تاریخی و میراثی بم نیز بر توسعه کالبدی روستا اثر گذاشته است. به گفته دهیار، محدودیت‌های مرتبط با حریم میراث جهانی و ضوابط میراث فرهنگی در سال‌های گذشته کمبود زمین مسکونی ایجاد کرده بود. با پیگیری مدیریت محلی، محدوده‌ای در حدود ۱۸ هکتار برای توسعه روستا در نظر گرفته شده و برنامه ایجاد حدود ۳۵۰ واحد مسکونی جدید در حال پیشرفت است. این توسعه می‌تواند در صورت طراحی درست، به فرصت جذب و ماندگاری نسل جوان تبدیل شود.



۲-۱. جمعیت و روند جمعیتی

آخرین عدد رسمی مورد اشاره در جلسه، جمعیت ۴۳۷۵ نفری روستا در سرشماری سال ۱۳۹۵ است. برآورد محلی دهیار از جمعیت امروز پشت‌رود حدود ۶ هزار نفر است و تعداد خانوارهای فعلی حدود ۱۳۰۰ خانوار اعلام شد. با تکمیل محدوده جدید مسکونی و واگذاری حدود ۳۵۰ قطعه، ظرفیت سکونت خانوارهای بیشتری نیز ایجاد خواهد شد. این ارقام نشان می‌دهد پشت‌رود روستایی کوچک و در معرض تخلیه نیست، بلکه از نظر جمعیتی روستایی نسبتاً بزرگ و زنده در حاشیه بم است.

بر اساس روایت مدیریت محلی، مهاجرت از روستا محدود است و حتی در مواردی مهاجرت معکوس نیز مشاهده می‌شود. این موضوع برای آینده پشت‌رود یک امتیاز مهم است. وجود باغ و زمین، سطح مناسب دارایی خانوارها، دسترسی نزدیک به بم و زیرساخت‌های مناسب باعث شده است انگیزه ماندگاری در روستا بالا باشد. با این حال، ماندگاری جمعیت به تنهایی به معنای توسعه نیست. اگر نسل جوان فقط در همان الگوی اقتصادی پیشین باقی بماند و مسیر تازه‌ای برای مهارت، کسب‌وکار و نوآوری پیدا نکند، جمعیت حفظ می‌شود اما ظرفیت آن به سرمایه توسعه تبدیل نخواهد شد.

۳-۱. اقلیم و ویژگی‌های طبیعی

پشت‌رود در اقلیم گرم و خشک شهرستان بم قرار دارد. کشاورزی روستا با نخلستان، قنات و منابع محدود آب شکل گرفته و تغییرات اقلیمی سال‌های اخیر بر کیفیت و تنوع تولید اثر گذاشته است. به گفته دهیار، در گذشته علاوه بر خرما، مرکبات و برخی صیفی‌جات نیز سهم بیشتری داشتند، اما پس از زلزله و تغییر شرایط اقلیمی، تولید مرکبات دشوارتر شده و اقتصاد کشاورزی روستا بیش از گذشته به خرمای مضافتی وابسته شده است.

آب آشامیدنی روستا به شبکه شهری متصل است. در بخش کشاورزی، یک موتورپمپ، حدود پنج قنات و منابع طبیعی آب در اختیار روستا قرار دارد. دهیار کاهش محسوس دبی آب در سال‌های اخیر را نیز توضیح داد؛ به گونه‌ای که برخی منابعی که در گذشته دبی بالاتری داشته‌اند امروز تقریباً به نصف یا کمتر رسیده‌اند. این روند یک هشدار روشن است: آینده کشاورزی پشت‌رود فقط به داشتن آب وابسته نیست، بلکه به توان مدیریت، ذخیره و افزایش بهره‌وری هر واحد آب بستگی دارد.

یکی از تجربه‌های مهم محلی، ساخت استخر ذخیره آب با ظرفیت تقریبی ۲۰ هزار مترمکعب است. این استخر برای ذخیره آب قنات در فصل کم‌نیاز کشاورزی و استفاده در فضای سبز، زیرسازی و سایر نیازهای محلی شکل گرفته است. ایده اصلی بسیار مهم است: آبی که در زمستان به صورت پیوسته از قنات جاری است و امکان قطع آن وجود ندارد، ذخیره شود و در زمان نیاز به مصرف برسد. همین تجربه نشان می‌دهد پشت‌رود در کنار مهارت‌های اقتصادی به مهارت‌های فنی در مدیریت آب و آبیاری نوین نیز نیاز دارد.





تصویر ۱: نمای اقلیمی روستای پشت‌رود

۴-۱. اقتصاد و معیشت روستا

اقتصاد پشت‌رود بیش از هر چیز بر کشاورزی و به‌طور مشخص بر خرما‌ی مضافتی استوار است. مردان عمدتاً در کشاورزی و دامداری فعال‌اند و بخشی نیز در ارگ جدید بم و فعالیت‌های صنعتی مرتبط با خودروسازی اشتغال دارند. زنان عمدتاً خانه‌دارند اما در کشاورزی خانوادگی مشارکت می‌کنند. در کنار خرما، کشت یونجه، گندم و جو نیز وجود دارد، اما وزن آنها در اقتصاد روستا کمتر است.

ویژگی مهم اقتصاد پشت‌رود این است که روستا از نظر سرمایه مالی فقیر نیست. بسیاری از خانوارها باغ و محصول دارند و بخشی از سرمایه‌ها نیز در ماشین‌آلات سنگین، زمین و املاک قرار گرفته است. به گفته دهیار، در روستا تعداد قابل توجهی کامیون، لودر و ماشین‌آلات راه‌سازی متعلق به بخش خصوصی وجود دارد. بنابراین مسئله اصلی پشت‌رود کمبود مطلق سرمایه نیست؛ مسئله، جهت حرکت سرمایه و میزان تبدیل آن به کسب‌وکارهای جدید، دانش‌بنیان و اشتغال‌زا است.

پنج مجموعه سردخانه و بسته‌بندی خرما در روستا فعال‌اند و بخش عمده محصول در خود پشت‌رود نگهداری می‌شود. این ظرفیت نشان می‌دهد مرحله نگهداری و بسته‌بندی اولیه تا حدی در روستا شکل گرفته، اما زنجیره ارزش همچنان محدود است. الگوی رایج آن است که خرما برداشت، در کارتن‌های متعارف بسته‌بندی و به واسطه یا فروشنده عرضه شود. درآمد حاصل نیز اغلب به خرید ملک، خودرو یا سرمایه‌های مشابه منتقل می‌شود. این چرخه از نظر حفظ ثروت خانوارها مؤثر بوده، اما الزاماً به تنوع اقتصادی و ایجاد مهارت‌های جدید منجر نشده است.

دهیار نمونه‌ای از تلاش برای خروج از این چرخه را تجربه تولید سرکه خرما توسط گروهی از بانوان بیان کرد. چنین تجربه‌هایی نشان می‌دهد مشتقات خرما، بسته‌بندی متفاوت، برند محلی و فرآوری می‌توانند مسیرهای تازه‌ای برای روستا باشند. وجود گلخانه‌ای در حدود چهار هکتار، واحد مرغ گوشتی حدود ۲۰ هزار قطعه‌ای و شرکت تعاونی محلی نیز ظرفیت‌های مکملی هستند که در صورت پیوند با آموزش و مهارت می‌توانند اقتصاد پشت‌رود را از وابستگی شدید به یک محصول فاصله دهند.

۵-۱. وضعیت زیرساخت‌ها و خدمات عمومی

پشت‌رود از نظر زیرساخت‌های پایه وضعیت مناسبی دارد. آب، برق و گاز در روستا برقرار است و به گفته دهیار، حدود ۹۰ درصد معابر آسفالت شده‌اند. شبکه مخابراتی نیز با دکل‌های تلفن همراه پوشش داده می‌شود. پست‌بانک، دفتر پیشخوان و خانه هلال از دیگر خدمات محلی‌اند. این سطح از زیرساخت، یکی از دلایلی است که پیشران توسعه روستا را نباید صرفاً در پروژه‌های عمرانی جست‌وجو کرد؛ بخش عمده نیاز پایه وجود دارد و گره بعدی، کیفیت سرمایه انسانی و تنوع فعالیت اقتصادی است.

در حوزه سلامت، خانه بهداشت فعال است و توسعه خدمات آن نیز در دستور کار محلی قرار دارد. روستا از نظر ورزشی دارای سالن چندمنظوره حدود ۱۸۰۰ مترمربعی، زمین چمن مصنوعی مینی‌فوتبال، زمین فوتبال خاکی، سالن خصوصی تکواندو، سالن خصوصی بدنسازی و فضای ورزشی تجهیز شده در یکی از مساجد است. این زیرساخت‌ها نشان می‌دهد جوانان پشت‌رود امکان شکل‌دادن به فعالیت‌های جمعی و ورزشی را دارند.

در حوزه مذهبی و فرهنگی، دو مسجد، دو حسینیه، یک مهدیه، دو دارالقرآن و دو پایگاه فعال بسیج وجود دارد. جلسات هفتگی قرآن و برنامه‌های گسترده محرم، اعیاد و مناسبت‌های مذهبی از نشانه‌های فعالیت فرهنگی روستاست. در دهه اول محرم، دو هیئت روستا برنامه‌های مستمر دارند و در وعده‌های پذیرایی جمعیت زیادی مشارکت می‌کند. چنین شبکه‌ای فقط یک دارایی مذهبی نیست؛ زیرساختی برای بسیج اجتماعی، اعتماد و اجرای پروژه‌های عمومی نیز به شمار می‌رود.

در بخش آموزش، روستا دارای مدارس در مقاطع مختلف و هنرستان است. به گفته دهیار، در سال ۱۳۸۸ همه مدارس روستا در سازه‌های کانکسی فعالیت می‌کردند، اما در سال‌های بعد با پیگیری مدیریت محلی و خیرین، چهار مدرسه با ساختمان مناسب ساخته شد و پیگیری برای تکمیل فضاهای باقی‌مانده ادامه دارد. با وجود این پیشرفت فیزیکی، مسئله کیفیت و اعتماد آموزشی همچنان جدی است؛ حدود ۳۰۰ دانش‌آموز از روستا برای تحصیل به مدارس شهر بم رفت‌وآمد می‌کنند. همین شکاف میان «وجود مدرسه» و «انتخاب مدرسه محلی» یکی از مهم‌ترین دلایل انتخاب پیشران آموزشی برای پشت‌رود است.

۲. سرمایه‌های روستای پشت‌رود

پشت‌رود مجموعه‌ای از سرمایه‌های انسانی، طبیعی، فیزیکی، نهادی، اجتماعی، فرهنگی و مالی دارد که در بسیاری از روستاها هم‌زمان دیده نمی‌شوند. نزدیکی به بم، جمعیت قابل توجه، باغ‌های خرما، قنات‌ها، سردخانه‌ها، ماشین‌آلات بخش خصوصی، مدارس، هنرستان، زیرساخت‌های ورزشی و شبکه قوی مشارکت مردمی، پایه‌های یک روستای توانمند را شکل داده‌اند.

با این حال، مسئله اصلی پشت‌رود کمبود دارایی نیست؛ مسئله این است که بخشی از این دارایی‌ها در یک مسیر تکرارشونده قرار گرفته‌اند. سرمایه مالی عمدتاً دوباره به دارایی‌های مشابه تبدیل می‌شود، کشاورزی به خرما وابسته است، بخش مهمی از دانش‌آموزان برای آموزش از روستا خارج می‌شوند و



مهارت‌های جدید هنوز به صورت سازمان‌یافته به اقتصاد محلی متصل نشده‌اند. سند تحول باید این سرمایه‌های موجود را حول یک محور مشترک به حرکت درآورد: هنرستان مهارت‌آموزی به عنوان هسته ارتقای سرمایه انسانی و تنوع‌بخشی اقتصاد روستا.

۱-۲. جدول فهرست سرمایه‌های روستا

نوع سرمایه	مصادیق اصلی در پشت‌رود	نقش بالقوه در توسعه روستا
سرمایه انسانی	جمعیت حدود ۶ هزار نفر، دانش‌آموزان و جوانان، مدیریت محلی پیگیر، خیرین و متخصصان مهاجرت‌کرده، صاحبان کسب‌وکار و استادکاران	مهارت‌آموزی، کارآفرینی، انتقال تجربه، مدیریت پروژه و ایجاد نیروی کار ماهر
سرمایه طبیعی	نخلستان‌های خرمای مضافتی، قنات‌ها، موتورپمپ، منابع آب، دشت و کوچه‌باغ‌ها، اتصال به ارتفاعات شمالی	پایه کشاورزی، آموزش مدیریت آب، توسعه کشاورزی سازگار با اقلیم و گردشگری محدود کشاورزی
سرمایه فیزیکی	مدارس و هنرستان، پنج سردخانه و بسته‌بندی، سالن‌های ورزشی، چمن مصنوعی، خانه بهداشت، استخر ذخیره آب، ماشین‌آلات بخش خصوصی، محدوده ۱۸ هکتاری توسعه مسکونی	زیرساخت آموزش عملی، کارآموزی، نگهداری محصول، ورزش، خدمات عمومی و توسعه سکونت نسل جوان
سرمایه نهادی	دهیاری و شورا، مدارس، هنرستان، شورای زکات، خانه هلال، پست‌بانک، دفتر پیش‌خوان، ارتباط با آموزش و پرورش و دستگاه‌های شهرستان	هماهنگی اجرای سند، تجهیز آموزش، تأمین خدمات و اتصال روستا به منابع دولتی و تخصصی
سرمایه اجتماعی	خیرین، معتمدان، مشارکت گسترده در مراسم مذهبی، همکاری صاحبان ماشین‌آلات، کمک‌های مردمی و تجربه بسیج سریع منابع	اعتماد، تأمین منابع محلی، پشتیبانی از هنرستان، حمایت از پروژه‌های جوانان و حل مسائل جمعی
سرمایه فرهنگی	دو مسجد، دو حسینیه، مهدیه، دو دارالقرآن، جلسات قرآن، هیئت‌های فعال، حافظه زلزله و بازسازی، قلعه دختر	هویت محلی، انسجام اجتماعی، تربیت نسل جوان و تقویت مسئولیت‌پذیری جمعی
سرمایه مالی	درآمد خرما، باغ‌ها، سردخانه‌ها، ماشین‌آلات، دارایی خانوارها، گلخانه و مرغداری	سرمایه‌گذاری در فرآوری، بسته‌بندی، مهارت، کسب‌وکارهای جوانان و تنوع‌بخشی اقتصاد محلی



۲-۲. سرمایه انسانی؛ جوانان، مدیران محلی و ظرفیت یادگیری

مهم‌ترین سرمایه انسانی پشت‌رود، جمعیت جوان و خانواده‌هایی هستند که هنوز پیوند خود را با روستا حفظ کرده‌اند. حضور حدود ۶ هزار نفر جمعیت برآوردی، مدارس متعدد و صدها دانش‌آموز ظرفیت بزرگی برای ساختن آینده اقتصادی روستا ایجاد می‌کند. در عین حال، خروج حدود ۳۰۰ دانش‌آموز به مدارس شهر نشان می‌دهد بخشی از این سرمایه انسانی هر روز برای دریافت کیفیت آموزشی بهتر از روستا خارج می‌شود. اگر پشت‌رود بتواند آموزش محلی را جذاب، مهارتی و آینده‌دار کند، همین جریان می‌تواند معکوس شود.

مدیریت محلی نیز بخشی از سرمایه انسانی روستاست. روایت جلسه نشان می‌دهد دهیاری طی سال‌های گذشته در موضوعات متنوعی از ساخت مدارس و توسعه معابر تا خرید ماشین‌آلات، توسعه زمین مسکونی، ذخیره آب و تجهیز هنرستان ورود فعال داشته است. این سابقه برای سند تحول اهمیت دارد؛ زیرا بسیاری از روستاها ایده دارند اما ظرفیت پیگیری و اجرا ندارند. پشت‌رود در این زمینه تجربه‌ای انباشته از مذاکره با دستگاه‌ها، استفاده از خیرین و بسیج منابع محلی دارد.

سرمایه انسانی پشت‌رود باید از «توانایی فردی» به «مسیر یادگیری جمعی» تبدیل شود. هنرستان می‌تواند نقطه‌ای باشد که نوجوان، کشاورز، صاحب سردخانه، تعمیرکار، بانوی فعال، استادکار و متخصص بیرون از روستا به هم متصل شوند. ارزش هنرستان در ساختمان آن نیست؛ در شبکه‌ای است که می‌تواند پیرامون مهارت و حل مسئله ایجاد کند.

۲-۳. سرمایه طبیعی؛ نخلستان، آب، قنات و پهنه طبیعی

نخلستان‌ها مهم‌ترین سرمایه طبیعی و تولیدی پشت‌رود هستند. خرماي مضافتی در اقتصاد بم جایگاهی شناخته‌شده دارد و پشت‌رود نیز بخشی از همین زیست‌بوم تولیدی است. وجود باغ‌های متعدد و حجم قابل توجه محصول، پشتوانه‌ای برای درآمد خانوارها و پایه‌ای برای فعالیت‌های سردخانه‌ای و بسته‌بندی ایجاد کرده است. اما همین مزیت اگر بدون تنوع بخشی باقی بماند، به وابستگی تبدیل می‌شود.

منابع آب، به‌ویژه قنات‌ها، دومین رکن سرمایه طبیعی روستاست. کاهش دبی گزارش‌شده نشان می‌دهد این سرمایه در معرض فشار است. ذخیره‌سازی آب در استخر، تجربه‌ای مثبت است اما برای آینده کافی نیست. آموزش آبیاری نوین، سنجش رطوبت، زمان‌بندی آبیاری، نگهداری شبکه‌های انتقال، انتخاب ارقام سازگار و مدیریت باغ در شرایط گرما باید به دانش عمومی کشاورزان و نسل جوان تبدیل شود.

تغییر کیفیت خرماي مضافتی در اثر تغییر اقلیم که در جلسه به آن اشاره شد، یک پیام مستقیم برای نظام آموزشی روستاست. هنرستان و آموزش‌های مهارتی باید فقط به تعمیر خودرو محدود نمانند؛ بخشی از آموزش باید به فناوری کشاورزی، آب، کنترل کیفیت محصول، سردخانه، بسته‌بندی و سازگاری با اقلیم اختصاص یابد.

۲-۴. سرمایه فیزیکی؛ مدارس، هنرستان، سردخانه، ماشین‌آلات و

زیرساخت

در بخش اقتصادی، پنج سردخانه و واحد بسته‌بندی خرما نقش مهمی دارند. این تأسیسات می‌توانند از محل نگهداری محصول به «آزمایشگاه واقعی یادگیری» تبدیل شوند. دانش‌آموز هنرستان می‌تواند در کنار



صاحب سردخانه با برق صنعتی، تبرید، نگهداری، کنترل کیفیت، لجستیک، بسته‌بندی و حتی ثبت داده‌های تولید آشنا شود. چنین پیوندی، آموزش را از کلاس به مسئله واقعی روستا منتقل می‌کند.

مهم‌ترین سرمایه فیزیکی توسعه‌ای، هنرستان تازه‌تکمیل‌شده روستاست. این مجموعه فقط یک ساختمان آموزشی نیست؛ حاصل زنجیره‌ای از مشارکت خیر، طراحی متناسب با بافت بومی، پیگیری محلی، مداخله وزارت آموزش و پرورش، تأمین اعتبار دولتی و تجهیز با منابع محلی است. همین مسیر شکل‌گیری، هنرستان را به نماد توان حل مسئله در پشت‌رود تبدیل کرده است.

توسعه ۱۸ هکتاری مسکونی و برنامه ساخت حدود ۳۵۰ واحد نیز یک سرمایه فیزیکی آینده‌ساز است. این محدوده اگر صرفاً به قطعه مسکونی تبدیل شود، اثر آن محدود خواهد بود؛ اما اگر با الگوی فضای سبز، مصرف بهینه آب، کارگاه‌های خانگی، دسترسی آموزشی و خدمات مهارتی همراه شود، می‌تواند به «محله نسل آینده پشت‌رود» تبدیل شود.



تصویر ۲: نمایی از کتابخانه عمومی روستا

۲-۵. سرمایه نهادی؛ دهیاری، شورا، مدرسه و شبکه خدمات محلی

دهیاری و شورای اسلامی در پشت‌رود فقط نقش خدماتی نداشته‌اند و در پروژه‌های توسعه‌ای ورود کرده‌اند. پیگیری ساخت مدارس، تأمین ماشین‌آلات، توسعه زمین مسکونی، ایجاد استخر ذخیره آب و تجهیز هنرستان نمونه‌هایی از این نقش است. این تجربه نهادی باید در اجرای سند حفظ شود و به یک سازوکار مشخص برای هماهنگی آموزش، اقتصاد و سرمایه‌گذاری تبدیل گردد.

شورای زکات و سازوکارهای خیریه محلی نیز نهادهای مهمی هستند. زکات جمع‌آوری شده در روستا برای کمک به بیماران و نیازمندان استفاده می‌شود و در ماجرای تجهیز هنرستان نیز بخشی از منابع از همین ظرفیت تأمین شد. این نشان می‌دهد پشت‌رود می‌تواند بخشی از منابع اجتماعی خود را از کمک‌های مصرفی صرف، به سرمایه‌گذاری‌های توانمندساز هدایت کند؛ البته بدون آنکه کارکرد حمایتی این منابع از بین برود.

مدرسه و هنرستان باید به یک نهاد توسعه‌ای تبدیل شوند. در مدل پیشنهادی، مدیر هنرستان فقط مسئول اداره کلاس نیست؛ باید با دهیاری، کشاورزان، صاحبان سردخانه، فنی‌وحرفه‌ای، جهاد کشاورزی و صاحبان مشاغل ارتباط مستمر داشته باشد. هر رشته آموزشی باید یک شریک واقعی در اقتصاد روستا داشته باشد تا دانش‌آموز بداند مهارتی که می‌آموزد در کجا به کار می‌آید.

۶-۲. سرمایه اجتماعی؛ همدلی، خیرین و قدرت بسیج مردمی

سرمایه اجتماعی پشت‌رود یکی از روشن‌ترین نقاط قوت روستاست. مشارکت گسترده مردم در مراسم مذهبی، تأمین هزینه‌های پذیرایی، فعالیت خیرین و همکاری صاحبان ماشین‌آلات با دهیاری نشان می‌دهد روابط اعتماد و کمک متقابل هنوز فعال است. این ظرفیت برای اجرای هر پروژه توسعه‌ای بسیار تعیین‌کننده است.

نمونه شاخص این همبستگی، ماجرای جمع‌آوری مبلغ قابل توجهی برای نجات جان یکی از اهالی بود. بنا بر روایت دهیار، پس از سال‌ها از وقوع یک نزاع و در آستانه اجرای حکم قصاص، معتمدان روستا وارد میانجی‌گری شدند و پس از جلب رضایت خانواده مقتول، حدود ۶۰۰ میلیون در فاصله چند ساعت توسط خانواده و مردم جمع‌آوری شد. افراد پول، چک و حتی طلا در اختیار جمع قرار دادند و نهایتاً فرد محکوم آزاد شد. فارغ از جنبه قضایی ماجرا، این روایت یک پیام توسعه‌ای مهم دارد: پشت‌رود در لحظه‌ای که مردم ضرورت را باور کنند، توان بسیج سریع منابع را دارد.

همین قدرت بسیج اجتماعی در ساخت و تجهیز مدرسه نیز دیده شده است. اعضای شورا از حق‌الجلسه خود برای تأمین تجهیزات استفاده کرده‌اند و بخشی از منابع زکات نیز به خرید تجهیزات هنرستان اختصاص یافته است. بنابراین پیشران آموزشی با فرهنگ محلی ناسازگار نیست؛ برعکس، سابقه اجتماعی روستا نشان می‌دهد مردم حاضرند برای آموزش و آینده فرزندان خود هزینه کنند.

۷-۲. سرمایه فرهنگی؛ هویت مذهبی، تجربه زلزله و حافظه جمعی

زندگی فرهنگی پشت‌رود با مسجد، حسینیه، دارالقرآن، جلسات هفتگی قرآن و مراسم گسترده محرم پیوند دارد. دو هیئت فعال روستا در دهه نخست محرم برنامه‌های مستمر برگزار می‌کنند و مشارکت مردم در پذیرایی و تأمین هزینه‌ها بالا است. این فعالیت‌ها علاوه بر بعد مذهبی، شبکه‌ای از همکاری، اعتماد و ارتباط میان نسل‌ها ایجاد کرده‌اند.

زلزله بم بخش مهمی از حافظه جمعی پشت‌رود است. به گفته دهیار، روستا در زلزله به طور کامل تخریب شد و حدود ۹۶۰ نفر از اهالی جان باختند. پس از آن، ساختار کالبدی و اجتماعی روستا دوباره شکل گرفت. مدرسه‌های کانکسی، سکونت‌گاه‌های پسازلزله‌ای و تلاش طولانی برای ساخت مدارس جدید، همه بخشی از تجربه بازسازی‌اند. این پیشینه سبب می‌شود موضوع «ساختن آینده نسل بعد» در پشت‌رود معنایی فراتر از یک برنامه آموزشی عادی داشته باشد.

در بخشی از سکونت‌گاه‌های شکل‌گرفته پس از زلزله، تنوع فرهنگی و تفاوت سبک زندگی خانوارها از نگاه مدیریت محلی چالش‌هایی در محیط مدرسه ایجاد کرده است. این مسئله باید با رویکرد آموزشی و



اجتماعی، نه برچسب‌زنی، مدیریت شود. تقویت کیفیت مدرسه محلی، برنامه‌های مشترک دانش‌آموزی و مشارکت خانواده‌ها می‌تواند از فاصله‌گیری گروه‌های مختلف جلوگیری کند.





تصویر ۳ : نمایی از سرمایه های فرهنگی روستا

۸-۲. سرمایه مالی؛ خرما، سردخانه، دارایی خانوار و امکان سرمایه‌گذاری محلی

پشت‌رود از نظر سرمایه مالی ظرفیت بالایی دارد. درآمد خرما، مالکیت باغ، سردخانه‌ها، ماشین‌آلات سنگین و دارایی‌های خانوار نشان می‌دهد بخش مهمی از مردم توان سرمایه‌گذاری دارند. این ویژگی پشت‌رود را از روستاهایی که مسئله اصلی آنها فقدان منابع اولیه است متمایز می‌کند.

با این حال، سرمایه مالی زمانی به سرمایه توسعه تبدیل می‌شود که به سمت فعالیت مولد جدید حرکت کند. اگر درآمد خرما صرفاً به خرید زمین، خودرو یا دارایی مشابه تبدیل شود، ثروت حفظ می‌شود اما فرصت شغلی جدید و توان رقابت اقتصادی افزایش نمی‌یابد. هدف سند آن نیست که این الگو را نفی کند؛ هدف این است که بخشی کوچک از سرمایه موجود به تجربه‌های جدید اختصاص یابد.

فرآوری خرما، طراحی بسته‌بندی خاص، تولید مشتقات، بازاریابی دیجیتال، خدمات سردخانه‌ای پیشرفته، تعمیر ماشین‌آلات کشاورزی، فناوری آبیاری و مشاغل مهارتی می‌توانند مقصدهای جدید سرمایه باشند. هنرستان در این مدل نقش کاهش‌دهنده ریسک را دارد: پیش از آنکه خانواده‌ای سرمایه زیادی وارد کسب‌وکاری ناشناخته کند، دانش‌آموز و مربی می‌توانند با پروژه‌های کوچک، نمونه اولیه و آزمون بازار تجربه ایجاد کنند.

۳. تحلیل SWOT روستای پشت‌رود

تحلیل SWOT پشت‌رود نشان می‌دهد روستا از نظر منابع و زیرساخت در نقطه مناسبی قرار دارد، اما برای عبور از اقتصاد تک‌محصولی و افزایش کیفیت سرمایه انسانی به یک محور تحول نیاز دارد. قوت اصلی روستا «توانمندی موجود» و ضعف اصلی آن «کمبود تنوع و مهارت سازمان‌یافته» است. فرصت اصلی نیز تبدیل هنرستان به موتور این تغییر است.

۳-۱. نقاط قوت

نخستین نقطه قوت، نزدیکی بسیار زیاد به شهر بم است. این موقعیت دسترسی به بازار، دانشگاه، فنی‌وحرفه‌ای، دستگاه‌های دولتی، صنعت ارگ جدید و خدمات شهری را آسان می‌کند و هزینه اتصال روستا به شبکه‌های تخصصی را پایین می‌آورد.

سومین نقطه قوت، اقتصاد فعال خرما و وجود پنج سردخانه و بسته‌بندی است. پشت‌رود بازار و محصول واقعی دارد و هنرستان می‌تواند آموزش را به همین زنجیره موجود متصل کند.

چهارمین نقطه قوت، توان مالی نسبی خانوارها و وجود ماشین‌آلات و سرمایه خصوصی است. روستا برای شروع پروژه‌های کوچک الزاماً منتظر سرمایه بیرونی نیست.

پنجمین نقطه قوت، سرمایه اجتماعی بالا و تجربه موفق مشارکت مردم در پروژه‌های عمومی، خیرخواهانه و آموزشی است. این ویژگی برای تجهیز هنرستان، کارآموزی و سرمایه‌گذاری‌های کوچک آینده اهمیت دارد.

ششمین نقطه قوت، وجود مدارس در مقاطع مختلف و هنرستان تازه‌تکمیل‌شده است. این زیرساخت از صفر ساخته نمی‌شود و امکان شروع سریع برنامه مهارت‌آموزی را فراهم می‌کند.

۳-۲. نقاط ضعف

نخستین ضعف، وابستگی شدید اقتصاد روستا به خرما و مضافتی است. تک‌محصولی بودن، درآمد روستا را در برابر تغییر اقلیم، کیفیت محصول، قیمت بازار و رفتار واسطه‌ها آسیب‌پذیر می‌کند.

دومین ضعف، محدود بودن فرآوری و نوآوری در زنجیره خرماست. وجود سردخانه‌ها مهم است، اما بخش بزرگی از ارزش افزوده بالقوه در طراحی محصول، مشتقات، بسته‌بندی، بازاریابی و فروش مستقیم هنوز فعال نشده است.

سومین ضعف، نوعی محافظه‌کاری اقتصادی ناشی از موفقیت الگوی فعلی است. بسیاری از خانوارها از چرخه باغ، برداشت، ذخیره و فروش درآمد قابل قبول دارند و انگیزه ورود به فعالیت جدید پایین است. تغییر این الگو در نسل بزرگسال دشوار و زمان‌بر است.

چهارمین ضعف، خروج تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان به مدارس بم است. وقتی حدود ۳۰۰ دانش‌آموز برای تحصیل به شهر می‌روند، مدرسه محلی هم از نظر جمعیت و هم از نظر اعتبار اجتماعی تضعیف می‌شود.

پنجمین ضعف، فاصله میان آموزش و اقتصاد واقعی روستاست. هنرستان وجود دارد، اما برای تبدیل شدن به پیشران باید رشته‌ها، تجهیزات و پروژه‌های آن مستقیماً به مسئله‌های پشت‌رود متصل شوند.



۳-۳. فرصت‌ها

مهم‌ترین فرصت، تبدیل هنرستان به مرکز مهارت‌آموزی و حل مسئله روستا است. این مرکز می‌تواند از آموزش رسمی فراتر رود و دوره‌های کوتاه‌مدت برای جوانان، کشاورزان، بانوان و صاحبان کسب‌وکار برگزار کند.

فرصت دوم، توسعه زنجیره ارزش خرماست. بسته‌بندی خاص، مشتقات خرما، کنترل کیفیت، بازاریابی دیجیتال، سردخانه و فروش مستقیم همگی می‌توانند موضوع پروژه‌های آموزشی و کسب‌وکارهای جدید باشند.

فرصت سوم، استفاده از نزدیکی به بوم برای جذب مربی، استادکار، فنی‌و حرفه‌ای و بازار است. روستا لازم نیست همه تخصص‌ها را در داخل خود تولید کند؛ می‌تواند متخصص را از شهر نزدیک به هنرستان بیاورد. فرصت چهارم، پیوند هنرستان با ارگ جدید و صنایع اطراف بوم است. رشته‌هایی مانند مکانیک خودرو، برق، تعمیرات و مهارت‌های فنی می‌توانند با فرصت‌های شغلی منطقه ارتباط پیدا کنند. فرصت پنجم، استفاده از شبکه خیرین و صاحبان سرمایه محلی برای تأمین تجهیزات و سرمایه بذری است. سابقه روستا نشان می‌دهد چنین مشارکتی امکان‌پذیر است.

۳-۴. تهدیدها

مهم‌ترین تهدید، کاهش منابع آب و اثر تغییر اقلیم بر کیفیت خرما می‌باشد. اگر محصول اصلی روستا آسیب ببیند و جایگزین اقتصادی شکل نگرفته باشد، بخش بزرگی از درآمد خانوارها تحت فشار قرار می‌گیرد.

تهدید دوم، تداوم خروج دانش‌آموزان به شهر است. اگر مدرسه محلی نتواند کیفیت و آینده شغلی ملموسی ارائه دهد، ممکن است سرانه دانش‌آموزی برخی مدارس باز هم کاهش یابد و ظرفیت آموزشی روستا تضعیف شود.

تهدید سوم، ماندن هنرستان در حد یک ساختمان آموزشی است. اگر رشته‌ها بدون ارتباط با نیازهای واقعی انتخاب شوند و کارآموزی و پروژه عملی شکل نگیرد، سرمایه‌گذاری انجام‌شده اثر توسعه‌ای محدودی خواهد داشت.

تهدید چهارم، وابستگی به واسطه‌ها و بسته‌بندی عمومی خرماست. رقابت بازار می‌تواند حاشیه سود تولیدکننده را کاهش دهد و روستا را در جایگاه تأمین‌کننده محصول خام نگه دارد.

تهدید ششم، تبدیل رفاه نسبی به سکون اقتصادی است. اگر درآمد موجود باعث شود نسل جوان نیز تنها همان الگوی گذشته را تکرار کند، پشت‌رود فرصت استفاده از موقعیت ممتاز خود در کنار بوم را از دست خواهد داد.



۴. پیشران تحول و پیشرفت روستا: هنرستان مهارت‌آموزی پشت‌رود

۴-۱. تعریف پیشران

پیشران پیشنهادی برای تحول پشت‌رود، «هنرستان مهارت‌آموزی پشت‌رود» است؛ اما منظور صرفاً تقویت یک مدرسه نیست. پیشران آموزشی یعنی تبدیل هنرستان به هسته‌ای برای یادگیری مهارت، حل مسئله، کارآفرینی و اتصال نسل جوان به اقتصاد واقعی روستا. در این مدل، آموزش باید از کلاس به باغ، سردخانه، کارگاه، ماشین‌آلات، گلخانه و بازار منتقل شود.

پشت‌رود از نظر زمین، محصول، زیرساخت و سرمایه مالی در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد. مسئله اصلی آن است که بخش مهمی از این ظرفیت‌ها در همان الگوی قبلی می‌چرخند. بنابراین منطقی نیست پیشران تحول را یک پروژه عمرانی دیگر انتخاب کنیم. نیاز اصلی روستا «توان انسانی برای استفاده متفاوت از دارایی‌های موجود» است و هنرستان بهترین نقطه شروع برای ساخت این توان است.

هنرستان می‌تواند دو مأموریت هم‌زمان داشته باشد: نخست، ارائه آموزش رسمی و جذاب به نوجوانان روستا تا بخشی از جریان خروج دانش‌آموزان به شهر کاهش یابد؛ دوم، ارائه آموزش‌های کوتاه و مسئله‌محور برای جوانان و بزرگسالان در حوزه‌هایی مانند فرآوری و بسته‌بندی خرما، مکانیک و تعمیرات، برق و سردخانه، آبیاری نوین، کسب‌وکار دیجیتال و مهارت‌های بانوان.



۴-۲. داستان شکل‌گیری هنرستان؛ از یک خیر تا یک زیرساخت توسعه

داستان هنرستان پشت‌رود خود به تنهایی نشان می‌دهد چرا این مجموعه می‌تواند نماد پیش‌ران روستا باشد. بر اساس روایت دهیار، یک بانوی خیر مقیم کانادا که پدر و مادر خود را از دست داده بود، از طریق یکی از اهالی با نیاز آموزشی روستا آشنا شد. او و همسرش که هر دو زمینه مهندسی داشتند، برای مدرسه طرحی با الهام از بافت بومی روستا در نظر گرفتند. همین تلاش برای ساخت مدرسه‌ای متناسب با هویت محلی، نشان می‌دهد پروژه از ابتدا فقط یک ساختمان معمولی نبوده است.

فرایند ساخت آسان پیش نرفت. خیر و مدیریت محلی مدتی با ضوابط نوسازی مدارس و تغییرات مورد درخواست دستگاه اجرایی درگیر بودند. پروژه تا مرحله‌ای پیش رفت اما سپس متوقف شد. در ادامه، هنگام سفر وزیر آموزش و پرورش وقت به بم، مدیریت محلی زمینه بازدید از پروژه را فراهم کرد. به گفته دهیار، پس از این بازدید اعتباری در حدود ۱۰ میلیارد برای تکمیل پروژه اختصاص یافت و پیمانکار توانست ساخت مجموعه را ادامه دهد تا هنرستان به مرحله بهره‌برداری برسد.

داستان در همین‌جا تمام نشد. با افتتاح ساختمان، مسئله تجهیزات مطرح شد. برای راه‌اندازی رشته‌ای مانند مکانیک خودرو، فهرستی از تجهیزات با هزینه چندصد میلیون تومانی ارائه شد. بخشی از این هزینه از منابع زکات و بخشی با همراهی شورای روستا و منابع محلی تأمین شد. یعنی هنرستان محصول مشارکت چهار لایه است: خیر مهاجر، مدیریت محلی، دولت و مردم. همین ترکیب دقیقاً همان مدلی است که برای توسعه آینده پشت‌رود نیز لازم است.

در گفت‌وگو به رشته‌ها و زمینه‌هایی مانند مکانیک خودرو، تعمیرات موبایل و صنایع دوخت اشاره شد. این رشته‌ها شروع مناسبی‌اند، اما هنرستان زمانی به پیش‌ران تبدیل می‌شود که رشته‌ها و کارگاه‌های آن به صورت مستمر بر اساس نیاز واقعی اقتصاد روستا و منطقه بازطراحی شوند. هنرستان نباید صرفاً دانش‌آموز را برای دریافت مدرک آماده کند؛ باید او را برای حل یک مسئله واقعی و کسب درآمد آماده سازد.

۴-۳. چرا پیش‌ران آموزشی برای پشت‌رود؟

دلیل نخست آن است که گره اصلی روستا کمبود سرمایه نیست، بلکه الگوی استفاده از سرمایه است. بسیاری از خانواده‌ها باغ، محصول و دارایی دارند، اما ورود به فعالیت جدید برای آنها پریسک و ناآشناست. آموزش مهارتی می‌تواند این ریسک را برای نسل جوان کاهش دهد و تجربه‌های کوچک و کم‌هزینه ایجاد کند.

دلیل دوم، تک‌محصولی بودن اقتصاد است. خرما همچنان محور اقتصاد پشت‌رود باقی خواهد ماند، اما می‌توان پیرامون همین محصول ده‌ها مهارت و کسب‌وکار جدید ایجاد کرد: کنترل کیفیت، طراحی بسته‌بندی، سردخانه، تبرید، فرآوری، سرکه و شیر خرمای، فروش اینترنتی، عکاسی محصول، بازاریابی، حسابداری، تعمیر تجهیزات و مدیریت آب. هنرستان می‌تواند نقطه اتصال این مهارت‌ها باشد.

دلیل سوم، خروج دانش‌آموزان به شهر است. خانواده زمانی مدرسه محلی را انتخاب می‌کند که احساس کند فرزندش در آنجا کیفیت، آینده و فرصت بیشتری دریافت می‌کند. اگر هنرستان پشت‌رود به مدرسه‌ای تبدیل شود که دانش‌آموز در آن کارگاه واقعی، مربی متخصص، پروژه اقتصادی و مسیر اشتغال می‌بیند، مزیت رقابتی آموزش محلی افزایش می‌یابد.



دلیل چهارم، دشواری تغییر رفتار اقتصادی نسل بزرگسال است. دهیار به صراحت توضیح داد که عادت به الگوی خرما و فروش آن تغییر را سخت کرده است. بنابراین سریع‌ترین مسیر تحول، کار با نسل جوان پیش از تثبیت این الگوست. نوجوانی که در هنرستان با کارآفرینی، فناوری و تجربه عملی مواجه شود، می‌تواند بعدها حتی کسب‌وکار خانوادگی خود را نیز تغییر دهد.

دلیل پنجم، وجود شبکه اجتماعی و منابع لازم برای پشتیبانی است. هنرستان از قبل نشان داده که می‌تواند خیر، شورا، زکات و دولت را کنار هم جمع کند. این ویژگی احتمال موفقیت یک پیشران آموزشی را بسیار بیشتر از پروژه‌ای می‌کند که نیازمند ایجاد نهاد کاملاً جدید باشد.

دلیل ششم، نزدیکی به بم و ارگ جدید است. پشت‌رود می‌تواند استادکار، مربی و کارآموزی را از یک بازار شهری و صنعتی نزدیک تأمین کند. در نتیجه هنرستان امکان دارد هم به اقتصاد روستا و هم به بازار کار شهرستان خدمت کند.

۵. بسته اقدامات پیشنهادی برای تحقق پیشران آموزشی

۵-۱. تبدیل هنرستان به «مرکز مهارت و حل مسئله پشت‌رود»

نخستین اقدام، تغییر نگاه به هنرستان است. هنرستان نباید فقط در ساعات رسمی مدرسه و فقط برای دانش‌آموزان کار کند. پیشنهاد می‌شود با مشارکت آموزش و پرورش، فنی‌وحرفه‌ای، دهیاری و بخش خصوصی، مجموعه به تدریج به مرکز مهارت روستا تبدیل شود و در ساعات عصر، تابستان و دوره‌های کوتاه‌مدت نیز فعال باشد.

برای این کار لازم است هر سال فهرستی از مسائل واقعی روستا تهیه شود: بسته‌بندی خرما، تعمیر تجهیزات، مصرف آب، بازاریابی، طراحی محصول، سردخانه، مهارت دیجیتال و نیازهای خدماتی. سپس بخشی از پروژه‌های دانش‌آموزی و دوره‌های آموزشی دقیقاً بر همین مسائل متمرکز شوند. معیار موفقیت هنرستان باید فقط تعداد فارغ‌التحصیل نباشد؛ تعداد مسئله‌های حل‌شده و تعداد جوانانی که به مهارت درآمدزا می‌رسند نیز باید سنجیده شود.

۵-۲. طراحی نقشه مهارت متناسب با اقتصاد روستا

پیشنهاد می‌شود «نقشه مهارت پشت‌رود» تدوین شود. در این نقشه، مهارت‌ها در چهار گروه قرار گیرند: مهارت‌های زنجیره خرما و کشاورزی؛ مهارت‌های فنی و تعمیراتی؛ مهارت‌های خدماتی و دیجیتال؛ و مهارت‌های بانوان و کسب‌وکارهای خانگی.

در گروه خرما، موضوعاتی مانند درجه‌بندی، کنترل کیفیت، اصول سردخانه، بسته‌بندی، فرآوری، بهداشت محصول، فروش مستقیم و بازاریابی قرار می‌گیرند. در گروه فنی، مکانیک خودرو، تعمیر ماشین‌آلات، برق صنعتی، تجهیزات تبرید و تعمیرات موبایل مناسب‌اند. در گروه دیجیتال، عکاسی محصول، فروش آنلاین، طراحی محتوا و حسابداری ساده کسب‌وکار باید دیده شود. در بخش بانوان نیز صنایع دوخت، بسته‌بندی و تولید مشتقات غذایی می‌تواند توسعه یابد.



۳-۵. ایجاد کارگاه زنجیره ارزش خرما و بسته‌بندی

یکی از اولین پروژه‌های عملی هنرستان می‌تواند «کارگاه زنجیره ارزش خرما» باشد. این کارگاه الزاماً به کارخانه بزرگ نیاز ندارد. با تجهیزات کوچک می‌توان روی طراحی بسته‌بندی، تولید نمونه محصول، آزمایش مشتقات، کنترل کیفیت و شیوه عرضه کار کرد.

هدف اولیه باید ساخت یک یا چند نمونه بسته‌بندی ویژه پشت‌رود باشد؛ موضوعی که خود دهیار نیز به عنوان یکی از آرزوهای توسعه‌ای روستا مطرح کرد. دانش‌آموزان می‌توانند همراه با طراحان، صاحبان سردخانه و تولیدکنندگان، بسته‌های کوچک و متفاوت برای بازار هدیه، فروش اینترنتی یا گردشگر طراحی کنند. این تجربه اگر موفق شود، مسیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را کم‌ریسک‌تر می‌کند.

تجربه تولید سرکه خرما توسط گروهی از بانوان نیز می‌تواند به عنوان نمونه اولیه وارد هنرستان شود. دانش‌آموزان می‌توانند مسئله بسته‌بندی، برند، قیمت‌گذاری و فروش چنین محصولاتی را به شکل پروژه واقعی بررسی کنند.

۴-۵. پیوند هنرستان با سردخانه‌ها، باغ‌ها، ماشین‌آلات و صنعت اطراف

آموزش مهارتی بدون محیط واقعی کار ناقص است. پیشنهاد می‌شود با صاحبان پنج سردخانه، باغداران بزرگ، دارندگان ماشین‌آلات، واحد گلخانه، مرغداری و کسب‌وکارهای فنی تفاهم‌های ساده کارآموزی شکل گیرد. هر دانش‌آموز باید بخشی از ساعات مهارت خود را در محیط واقعی بگذراند.

برای رشته مکانیک خودرو و تعمیرات، ظرفیت ماشین‌آلات و خودروهای سنگین روستا و همچنین نزدیکی به ارگ جدید فرصت مهمی است. برای برق و تبرید، سردخانه‌ها می‌توانند شریک آموزشی باشند. برای کشاورزی و آب، باغ و استخر ذخیره آب می‌توانند فضای تمرین باشند. این مدل هزینه ساخت کارگاه‌های بسیار گران را کاهش می‌دهد و آموزش را واقعی می‌کند.

۵-۵. بازگرداندن اعتماد آموزشی و کاهش خروج دانش‌آموزان

حدود ۳۰۰ دانش‌آموزی که برای تحصیل به بم می‌روند یک شاخص مهم است. هدف نباید اجبار خانواده‌ها به ماندن باشد؛ باید کیفیتی ایجاد شود که خانواده خود مدرسه روستا را انتخاب کند. هنرستان و مدارس پشت‌رود باید مزیتی داشته باشند که مدرسه شهری به سادگی ارائه نمی‌دهد: آموزش متصل به زندگی واقعی و فرصت تجربه مهارت.

پیشنهاد می‌شود هر سال نمایشگاه پروژه‌های دانش‌آموزی و روز باز هنرستان برگزار شود. خانواده‌ها باید ببینند فرزندشان چه ساخته، چه مهارتی آموخته و چه مسیر شغلی پیش روی اوست. حضور استادکاران موفق، فارغ‌التحصیلان و کارآفرینان محلی در مدرسه می‌تواند تصویر آموزش را تغییر دهد.

در کنار هنرستان، کیفیت دوره متوسطه و راهنمایی نیز باید تقویت شود؛ زیرا اگر دانش‌آموز پیش از رسیدن به هنرستان از روستا خارج شود، پیشران آموزشی بخشی از مخاطب خود را از دست می‌دهد. بنابراین برنامه نگهداشت دانش‌آموز باید کل زنجیره مدرسه را ببیند.

۶-۵. صندوق کوچک مهارت و تجربه برای جوانان

پشت‌رود منابع اجتماعی و مالی برای کمک‌های مردمی دارد. پیشنهاد می‌شود در کنار کارکردهای خیریه، یک سازوکار شفاف و محدود برای حمایت از پروژه‌های مهارتی جوانان ایجاد شود. این حمایت می‌تواند به شکل تأمین ابزار، وام خرد، خرید مواد اولیه یا سرمایه نمونه‌سازی باشد.



این صندوق نباید به توزیع پول بدون ارزیابی تبدیل شود. هر متقاضی باید یک پروژه کوچک، مربی مشخص و گزارش نتیجه داشته باشد. برای مثال یک تیم دانش‌آموزی می‌تواند با حمایت محدود چند مدل بسته‌بندی خرما بسازد و در بازار محلی آزمایش کند. اگر نتیجه مثبت بود، سرمایه‌گذار محلی می‌تواند مرحله بعدی را تأمین کند.

۷-۵. مهارت آب و کشاورزی هوشمند برای نسل بعد

کاهش دبی آب و تغییر کیفیت خرما ایجاب می‌کند آموزش کشاورزی جدید بخشی از پیش‌رسان باشد. پیشنهاد می‌شود با همکاری جهاد کشاورزی و فنی‌وحرفه‌ای، دوره‌های کوتاه درباره آبیاری، نگهداری قنات، تغذیه نخل، مدیریت شوری، ثبت داده و انتخاب ارقام مناسب برگزار شود.

استخر ذخیره آب می‌تواند به یک پروژه آموزشی تبدیل شود. دانش‌آموزان می‌توانند حجم ورودی و خروجی، تبخیر، مصرف فضای سبز و کارایی پمپاژ را اندازه‌گیری کنند و پیشنهادهای ساده برای بهبود ارائه دهند. این نوع پروژه هم مهارت فنی می‌سازد و هم مسئله‌ای واقعی از آینده روستا را حل می‌کند.

۶. برنامه اجرایی پیشنهادی

۱-۶. اقدامات کوتاه‌مدت؛ سال اول

در سال اول باید تمرکز بر آماده‌سازی و ایجاد اعتماد باشد. نخست، یک ارزیابی دقیق از وضعیت هنرستان انجام شود: رشته‌های فعال، تعداد دانش‌آموزان، تجهیزات موجود، کمبود مربی، ظرفیت فضا و ارتباط با بازار کار. هم‌زمان باید نقشه مهارت پشترود با مشارکت دهیاری، آموزش و پرورش، فنی‌وحرفه‌ای، کشاورزان و صاحبان سردخانه تدوین شود.

دوم، یک پروژه کوچک در حوزه خرما انتخاب شود. طراحی بسته‌بندی جدید یا تولید نمونه‌ای از مشتقات خرما گزینه مناسبی است؛ زیرا مردم نتیجه را سریع می‌بینند. پروژه باید با حضور دانش‌آموزان، یک مربی و حداقل یک صاحب کسب‌وکار اجرا شود.

چهارم، برنامه معرفی هنرستان برای خانواده‌ها اجرا شود تا مزیت‌های مهارت‌آموزی و مسیرهای شغلی توضیح داده شود. نمایشگاه تجهیزات و پروژه‌های دانش‌آموزی می‌تواند اولین رویداد عمومی پیش‌رسان باشد.

۲-۶. اقدامات میان‌مدت؛ سال دوم و سوم

در سال دوم و سوم باید پیوند آموزش و اقتصاد تثبیت شود. رشته‌ها و دوره‌ها بر اساس نتایج سال اول بازتنظیم شوند و کارگاه زنجیره خرما توسعه یابد. در این مرحله می‌توان چند محصول یا بسته‌بندی آزمایشی را به بازار بزم و فروش آنلاین وارد کرد و بازخورد واقعی گرفت.

در همین دوره، صندوق کوچک مهارت و تجربه می‌تواند به صورت آزمایشی راه‌اندازی شود و هر سال از چند پروژه دانش‌آموزی یا جوانان حمایت کند. معیار اصلی باید یادگیری، قابلیت اجرا و امکان ایجاد درآمد باشد، نه صرفاً ارائه طرح روی کاغذ.

در پایان سال سوم باید بتوان اثر اولیه پیش‌رسان را با چند شاخص سنجید: کاهش خروج دانش‌آموزان، افزایش ثبت‌نام هنرستان، تعداد دوره‌های مهارتی، تعداد کارآموزی‌ها، تعداد پروژه‌های واقعی، تعداد کسب‌وکارهای کوچک شکل‌گرفته و میزان مشارکت بخش خصوصی.



۶-۳. اقدامات بلندمدت؛ سال چهارم و پنجم

در افق چهارم و پنجم، هنرستان باید به «مرکز مهارت و نوآوری روستایی پشت‌رود» تبدیل شود؛ مرکزی که علاوه بر دانش‌آموزان خود روستا، جوانان روستاهای اطراف را نیز جذب کند. نزدیکی به بوم این امکان را می‌دهد که برخی دوره‌های تخصصی با مربیان شهری برگزار شوند و در عین حال هزینه آموزش برای روستاهای پیرامونی پایین بماند.

کارگاه خرما در این مرحله می‌تواند به مرکز کوچک طراحی محصول، کنترل کیفیت و نمونه‌سازی بسته‌بندی تبدیل شود. لازم نیست هنرستان خود وارد تولید تجاری گسترده شود؛ نقش آن باید ایجاد دانش، آزمایش ایده و آماده‌کردن نیروی انسانی برای بخش خصوصی باشد.

در افق پنج‌ساله، موفقیت پیشران زمانی محقق شده است که پشت‌رود علاوه بر خرما خوب، با «جوان ماهر» شناخته شود؛ یعنی خانواده‌ها مدرسه محلی را انتخاب کنند، صاحبان کسب‌وکار برای نیروی کار به هنرستان مراجعه کنند و بخشی از سرمایه‌های روستا به کسب‌وکارهایی هدایت شود که توسط نسل جدید طراحی و اداره می‌شوند.

۷. کانون تحول و پیشرفت روستای پشت‌رود

کانون تحول و پیشرفت پشت‌رود باید مسئول هماهنگی اجرای سند باشد. با توجه به اینکه پیشران اصلی ماهیت آموزشی دارد، این کانون باید ارتباط میان دهیاری و شورا، هنرستان و مدارس، آموزش و پرورش، فنی‌وحرفه‌ای، جهاد کشاورزی، صاحبان سردخانه و باغ، خیرین و فعالان اجتماعی را برقرار کند.

وظیفه کانون اجرای مستقیم همه پروژه‌ها نیست؛ باید مسئله‌ها را اولویت‌بندی کند، مسئول هر اقدام را مشخص کند، منابع لازم را پیدا کند و پیشرفت برنامه را هر سه ماه یک بار ارزیابی نماید. پیشنهاد می‌شود دبیرخانه اجرایی کانون در دهیاری یا هنرستان مستقر شود تا پیگیری‌ها پراکنده نشوند.

فهرست اعضای کانون در این نسخه درج نشده و بر اساس تصمیم مدیریت محلی و شناسایی افراد اثرگذار در مرحله بعد تکمیل خواهد شد. اصل مهم آن است که ترکیب کانون صرفاً اداری نباشد و افرادی در آن حضور داشته باشند که توان تصمیم، سرمایه، اجرا، آموزش یا جلب اعتماد مردم را دارند.

جمع‌بندی

پشت‌رود روستایی است که بخش بزرگی از زیرساخت‌ها و منابع لازم برای توسعه را در اختیار دارد. نزدیکی به بوم، جمعیت قابل توجه، باغ‌های خرما، پنج سردخانه، ماشین‌آلات بخش خصوصی، شبکه آب و قنات، مدارس، ورزش، مشارکت اجتماعی و توان مالی خانوارها نشان می‌دهد مسئله اصلی روستا «فقدان ظرفیت» نیست.

چالش اصلی، تبدیل ظرفیت موجود به مسیرهای تازه است. اقتصاد روستا به خرما مضافتی وابسته شده و موفقیت نسبی این الگو، انگیزه تنوع‌بخشی را کاهش داده است. هم‌زمان بخشی از دانش‌آموزان برای تحصیل به شهر می‌روند و مدرسه محلی هنوز نتوانسته به مزیت رقابتی روستا تبدیل شود. کاهش آب و تغییر شرایط اقلیمی نیز نشان می‌دهد تداوم مسیر قبلی بدون افزایش دانش و مهارت، در بلندمدت پرریسک است.



به همین دلیل، پیشران تحول پشت‌رود باید آموزشی باشد. هنرستان مهارت‌آموزی موجود، به دلیل داستان شکل‌گیری، زیرساخت مناسب، امکان جذب حمایت مردمی و نزدیکی به بازار کار بم، بهترین بستر برای این مأموریت است. اگر هنرستان از یک مدرسه معمولی به مرکز مهارت و حل مسئله تبدیل شود، می‌تواند میان خرما، سردخانه، آب، ماشین‌آلات، بانوان، جوانان و سرمایه محلی پیوند ایجاد کند.

هدف نهایی آن نیست که همه مردم پشت‌رود شغل خود را تغییر دهند. هدف این است که نسل جدید گزینه‌های بیشتری داشته باشد؛ کشاورز آینده فقط تولیدکننده خرما نباشد و بتواند کیفیت، آب، بسته‌بندی و فروش را بفهمد؛ تعمیرکار بتواند به ماشین‌آلات و صنعت منطقه متصل شود؛ بانوان بتوانند محصول و خدمت قابل فروش ایجاد کنند؛ و خانواده احساس کند ماندن در روستا به معنای محدود شدن فرصت فرزندش نیست.







تصویر ۵: نمایی از سرمایه های فرهنگی ورزشی روستا